مظهر سیاست و حکمت

گزارش مراسم یادبود **شهید علی لاریجانی** و رونمایی کتاب **چنین گفت مجتهد فلسفه** در دانشگاه تهران

عکس: حسین نقی‌زاده/ایران

گزارش

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

مراسم یادبود شهید علی لاریجانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران، همراه با رونمایی کتاب «چنین گفت مجتهد فلسفه» (مقالات دکتر لاریجانی درباره دکتر کریم مجتهدی) روز گذشته، دوشنبه ۴ مهر با حضور و سخنرانی حسین سیمایی صراف (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری)، غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد سعدی)، سید مصطفی محقق داماد (مجتهد، فیلسوف و حقوقدان عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران)، حسین غفاری (استاد فلسفه)، علی مطهری (استاد دانشگاه تهران) و سید حمید طالب‌زاده (مدیرگروه فلسفه دانشگاه تهران) در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد. شهید لاریجانی که خود از اساتید برجسته فلسفه در دانشگاه تهران بود، از حیث علاقه و ارادت به دکتر کریم مجتهدی کتاب «چنین گفت مجتهد فلسفه» را با توجه به نگاه و اندیشه این استاد فقید در فلسفه نگاشته است. به گفته دکتر لاریجانی، کریم مجتهدی از اساتید فیلسوف پرکار و منظم دانشگاه تهران بود که علاوه بر تربیت شاگردان زیاد، در تألیف آثار فلسفی در حوزه‌های مختلف، موفق عمل کرد. مجتهدی فیلسوف ایرانی و استاد تمام بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه تهران بود. او سهم بسزایی در رشد پژوهش‌های فلسفی در ایران داشته است و علاوه بر دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی و همچنین عضو همکار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران بود. او آثار متعددی از جمله «فلسفه در قرون وسطی»، «فلسفه نقادی کانت»، «دکارت و فلسفه او» و کتاب‌های بسیار دیگری در زمینه فلسفه نگاشته است. به عنوان مثال کتاب «فلسفه نقادی کانت» اثری است که در ابتدا روش استعلایی و عقل از نظر کانت را توضیح می‌دهد، سپس رابطه قوا در نقد عقل محض، نقش تخیل، عقل قانونگذار، عقل سلیم زیباشناختی، نظریه قوا و نظریه غایات را شرح می‌دهد. این نظریه‌ها بود که شهید علی لاریجانی را شیفته تفکر مجتهدی کرد.

حکایت ۵۰ سال رفاقت

غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد سعدی و از دوستان قدیمی شهید لاریجانی بوده است. او در آغاز مراسم یادبود، با اشاره به رفاقت قدیمی‌شان، گفت: «قبل از هر سخنی، شهادت رهبرمان، خانواده ایشان و هموطنانی که در جنگ چهل روزه به شهادت رسیدند را تسلیت عرض می‌کنم. در این جمع، بعد از جناب آقای محقق داماد، تصور می‌کنم سابقه آشنایی من با آقای لاریجانی از همه بیشتر باشد و به بیش از پنجاه سال برسد. من در نیمه دهه پنجاه یکی از معلمان دانشگاه صنعتی شریف بودم، در آن زمان شهید لاریجانی دانشجوی رشته ریاضی بود. دوستی من با ایشان به جهت نزدیکی فکری، آغاز شد و بعدها پیوند خانوادگی‌شان با شهید مطهری باعث تقویت روابط ما شد؛ از آنجا که از شاگردان شهید مطهری بودم، این آشنایی و پیوند محکم‌تر شد.»

حدادعادل درباره هم مسیر شدن در رشته فلسفه با شهید لاریجانی ادامه داد: «شهید لاریجانی نیز مثل بنده و برخی دیگر از اعضای گروه فلسفه، تصمیم گرفتند رشته خود در دانشگاه شریف را رها کنند و به تحصیل در رشته فلسفه بپردازند. بعدها بنا به تغییراتی، هر دو به دانشگاه تهران آمدیم و راهنمایی پایان‌نامه ایشان زیر نظر بنده انجام شد. ما با هم ۱۲ سال اختلاف سنی داشتیم، اما می‌خواهم یک تصویر کلی از شخصیت ایشان بگویم: ایشان متدین، مؤمن، در عرصه سیاست و اجرا پاک‌دست، پاک‌دامن و پاک‌چشم بود. حتی مخالفان سیاسی‌اش نیز در این‌باره تردیدی نداشتند. بسیار بااستعداد بود و هوش سرشتی داشت؛ باسواد، پرکار و صاحب‌اطلاع بود. هم ریاضی خوانده بود و هم فلسفه. از آنجا که متولد نجف بود، با زبان عربی و معارف اسلامی آشنایی زیادی داشت. او بسیار پرکار و منظم بود. از نظر علمی، صاحب‌نظر و آگاه و از نظر ظاهری خوش‌سیما و خوش‌سخن بود و از نظر اجتماعی دنیای معاصر خویش را به خوبی می‌شناخت. وقتی با شخصیت‌های سیاسی، علمی و خارجی مواجه می‌شد، از منظر علم، اطلاع و عمق شخصیت، یک چهره موجه، مطلوب و دوست‌داشتنی از فرزندان ایران پیش دیگران ترسیم می‌کرد و به قول معروف، در مقابل دیگران کم نمی‌آورد.» رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به اینکه ایشان در سه عرصه فرهنگ، سیاست و انقلاب و علم و دانش فعال بود، گفت: «به عنوان مثال ایشان در عرصه فرهنگ، توانست مدیریت خوبی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یک دوره طولانی در صداوسیما داشته باشد. در عرصه علمی، حضورش در دانشگاه حضور مثبت و مفیدی بود و سعی می‌کرد تا جایی که ممکن است تدریس را ترک نکند و هر بار که بار سیاست روی دوشش سبک می‌شد، بار تدریس را سنگین‌تر می‌کرد. همین دو سال پیش بود که هم بنده و هم شهید لاریجانی در گروه فلسفه تدریس داشتیم؛ ساعت کاری ما این‌گونه بود که وقتی ساعت تدریس من تمام می‌شد، کلاس ایشان شروع می‌شد. در این بین وقت داشتیم با هم گپی بزنیم، ولی شهید لاریجانی بسیار مقید بود که نباید دانشجو را معطل نگه داشت. در یک دوره‌ای هم رفاقت ما به رقابت نزدیک شد، اما ما دایره رقابت را تعریف کردیم؛ مثلاً وقتی من رئیس مجلس بودم و دوره کاری‌ام تمام شد و شهید لاریجانی رئیس مجلس شد، من یک دسته گل به ایشان هدیه دادم. اما این دوره رقابتی کوتاه بود. در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم ما همیشه کنار هم می‌نشستیم و معتقد بودیم باید از جهت تحکیم مسائل مربوط به فرهنگ و دانشگاه به هم کمک کنیم. وقتی که شهید لاریجانی از مجلس رفت، به دانشگاه تهران آمد و این بار درس‌های بیشتری برای تدریس به عهده گرفت، اما یک وظیفه خاص سیاسی دیگری برای خود احساس کرد. ایشان احساس می‌کرد تحولاتی که در منطقه صورت گرفته، مثل ترور شهید سلیمانی، آینده را نگران‌کننده کرده است. از این جهت برای خود یک وظیفه تعریف کرد. وقتی دولت آقای پزشکیان روی کار آمد، قرار شد به دلیل نفوذ کلام دکتر لاریجانی، به ریاست دانشگاه تهران منصوب شود. ما این موضوع را پیگیری کردیم، اما ایشان موافقت نکردند و گفتند: «من کار مهم‌تری بر عهده خود می‌دانم و شرایط کشور طوری است که اگر در فعالیت‌های کلان سیاسی حضور داشته باشم، بیشتر می‌توانم به مردم کمک کنم. در نهایت ایشان به بالاترین مقام یعنی شهادت رسیدند. اگر دکتر لاریجانی عمر بیشتری داشتند، در نظر و عمل می‌توانستند به جمهوری اسلامی و ملت ایران خدمت کنند.»

تفسیر سکوت

در ادامه این مراسم، سید مصطفی محقق داماد، مجتهد، فیلسوف و حقوقدان که داماد خانواده لاریجانی است و بیش از همه با شهید لاریجانی آشنایی دارد، درباره ایشان گفت: «زندگی شهید لاریجانی پیش از اینکه یک واقعه تاریخی باشد، یک پرسش فلسفی است، پرسشی از معنای حقیقت، از رابطه یک فرد، از معنای مسئولیت و خیر عمومی سؤال می‌کند. من نمی‌توانم بگویم شهید لاریجانی، در پیروی از کانت، بلکه به یک عمل اخلاقی معتقد بود؛ یک عمل اخلاقی آن است که انسان وظیفه را نه براساس اجبار، بلکه برای خود انجام وظیفه و نفس منفعت انجام دهد. در زندگی علی لاریجانی برای من این مسأله متبلور بود که اخلاق از نظر او بیشتر از گفتن، تظاهر کردن و منتظر ستایش بودن، «عین عمل» است. او عمل می‌کرد بدون اینکه منتظر باشد کسی او را ستایش کند. سکوت علی لاریجانی بیش از مقام سخن گفتنش معنا داشت؛ در عالم سکوت، او برای ملتش امنیت می‌آورد و نگران امنیت ملت بود. سکوتش عین بیان بود، بدون اینکه بیانی داشته باشد. او دو بار مورد ظلم قرار گرفت و مظلوم واقع شد، اما لب از لب نگشود و سکوت کرد. این سکوت شهید لاریجانی باید سال‌ها توسط دوستانش تفسیر شود که چرا به ایشان ستم روا کردند. به ایشان و خانواده‌شان ظلم شد اما او سکوت کرد. مگر توهین به چنین خانواده‌ای ارزان است؟ اما با این حال شهید لاریجانی سیاست اجرایی را با خرد حکمی آمیخته کرد. حکمت عملی را به میدان آورد؛ حکمت عملی یعنی صبر، بردباری، تحمل و لبخند. وقتی در جلسات خصوصی به او گزارش می‌دادند، با دل خونین و لب خندان آن گزارش را مطالعه می‌کرد. سن عملی و اخلاقی لاریجانی بیش از سن واقعی او بود، اما هرگز به تعریف دیگران دل خوش نمی‌کرد. متأسفانه ما اکنون ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که هدف برخی افراد از عمل کردن، نمایش است و بس.»

محقق داماد در ادامه خاطره‌ای از ماجرای ازدواج شهید لاریجانی تعریف کرد و گفت: «خداوند استاد را قرین رحمت کند. بنده، خواستگاری شهید لاریجانی را انجام دادم. شهید مطهری فرمودند بهتر است خانواده ایشان را ببینید و بعد از آن قرار شد شهید مطهری پاسخ بدهند. شهید مطهری گفتند همان پاسخی را که به خانواده داده‌ام، به شما می‌دهم. وقتی ایشان آمدند، خانواده به من گفتند علی آقا زیادی جوان است، در پاسخ گفتم: سنشان کم، اما عقل پیری دارد. امروز اما زبان من برای تسلیت گفتن قاصر است، چون حادثه خیلی تلخ است. علی عزیز همراه مرتضی عزیزش رفتند؛ ما چطور باید این را تسلیت بگوییم؟ اما خانواده او در نزد خداوند این ارج را دارند که چنین گلی تحویل مردم ایران دادند.»

تعهد اجتماعی شهید لاریجانی

در ادامه این مراسم یادبود، حسین غفاری، استاد فلسفه دانشگاه تهران، از هوش و استدلال قوی شهید لاریجانی گفت: «سوابق و روابط من با شهید لاریجانی به پنجاه سال می‌رسد؛ ما رفیق گرمابه، مسجد و گلستان بودیم. در سال ۵۲، در محضر استاد شهید مطهری بودم و در آن سال‌ها، به‌دلیل ارتباط ایشان با خانواده شهید مطهری، روابط ما آغاز شد؛ زیرا من شاگرد استاد بودم و ارتباط‌مان نزدیک شد. ایشان در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی حرف‌های زیادی داشتند؛ اکنون مجال ورود به همه این مطالب را نداریم، اما احساس وظیفه می‌کنم که بگویم مرحوم لاریجانی بسیار احساس تعهد اجتماعی داشتند. همان‌طور که گفته شد، ما تأیید ریاست دانشگاهی ایشان را از دکتر سیمایی گرفتیم، اما گرچه دانشگاه برای او اهمیت داشت، این ریاست را نپذیرفت.»

این استاد دانشگاه درباره واکنش شهید لاریجانی درباره یکی از کتاب‌هایش گفت: «من در جلساتی درباره انقلاب مطالبی را مطرح می‌کردم که بعدها به‌صورت کتاب منتشر شد. این کتاب را به چند نفر از دوستان نزدیک دادم که یکی از آنها دکتر لاریجانی بود. ایشان خط به‌خط کتاب را تصحیح کردند و نظر دادند. من در این کتاب از موضوع بازدارندگی در کشور صحبت کردم؛ در این کتاب نوشتم که نیروی سپاه در کشور کم‌کم قوت گرفت و دشمن دچار ترس و اضطراب شد و داستان هسته‌ای هم در آن زمان مورد توجه نبوده است. اما اگر نیروی هسته‌ای در دست یک‌طرف باشد خطرناک است، ولی اگر در دست دوطرف باشد موضوع عوض می‌شود. بمب هسته‌ای برای زدن نیست، بلکه برای نزدن است. به اینجای کتاب که رسیدیم، لاریجانی گفت، «بله، اگر فتوای رهبری نبود ما به سلاح هسته‌ای رسیده بودیم، اما ایشان در این مقطع زمانی به این نتیجه رسیده بودند که باید سلاح هسته‌ای متوقف شود.»»

حامی گروه فلسفه

پس از سخنرانی حسین غفاری، نوبت به سید حمید طالب‌زاده، مدیر گروه فلسفه دانشگاه تهران رسید. او درباره شهید لاریجانی گفت: «ما پیش از این با بعضی از همکاران، به نمایندگی از گروه فلسفه، برای ادای احترام و عرض تسلیت به مناسبت شهادت ایشان و فرزند برومندشان به منزل شهید لاریجانی رفتیم. اما منتظر فرصت مناسبی بودیم تا بتوانیم در دانشگاه نیز مراسم یادبودی برای ایشان برگزار کنیم. شهید لاریجانی، استادی تأثیرگذار در فلسفه بودند و ما سال‌ها از محضرشان استفاده کردیم و همکاری‌های نزدیکی با ایشان داشتیم. لاریجانی علاوه برآن همه مشغله، پیوند علمی خود را با گروه فلسفه دانشگاه حفظ می‌کردند و کلاس‌های پرباری داشتند. حتی از گروه فلسفه حمایت‌های مالی خوبی داشتند؛ تا جایی که بازسازی فضای جدید گروه فلسفه از کارهای ماندگار ایشان است. شهید لاریجانی بعد از دهه‌های متمادی و حضور فعال در عالی‌ترین سطح سیاسی کشور، به مشکلات کشور پی بردند و با درنگ و دقت در این مشکلات، کم‌کم به واسطه نگاه فلسفی خود به یک نظریه فلسفی رسیدند و این نظریه در کتاب «عقل و سکون در حکمرانی» از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد. او در خصوص مشکلاتی که در کشور وجود دارد، این جمله را می‌گوید: «همه این امور دشوار نشانگر این است که نظریه حکمرانی در کشور ما در ابعاد مختلف در یک مبنای فلسفه محدود نشده؛ گرچه همه نیت‌ها خیر بوده و همه با انگیزه خدمت کار کرده‌اند، اما بحث اصلی، درباره یک نظریه سازگار در مدیریت کشور برای آینده است.»

ریاست ۱۲ ساله مجلس

علی مطهری، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و استاد دانشگاه تهران، شهید لاریجانی را دارای قوه عاقله توصیف کرد و گفت: «استاد مطهری زمانی شهید شد که کشور به او نیاز داشت و حالا علی لاریجانی نیز دقیقاً در زمانی به شهادت رسید که می‌توانست به کشور کمک‌های زیادی کند. برخی علما درباره شهید مطهری گفتند که او قوه عاقله کشور بوده است، اما در این عصر، می‌توانیم برای دکتر لاریجانی نیز همین تعبیر را به کار ببریم. مردم زیادی به ایشان امید بسته بودند، چرا که قدرت تجزیه و تحلیل مسائل در ایشان هویدا بود. او شخص معتدلی بود و تقوای الهی داشت و همین، قوه عاقله او را نشان می‌داد. یکی دیگر از ویژگی‌های او، گرایش عرفانی‌اش بود که در صحبت‌ها و منش ایشان مشخص بود. هرکسی را که احساس می‌کرد ولی خداست، رها نمی‌کرد و سعی می‌کرد از عرفان او بهره ببرد. شهید لاریجانی یک مصلح اجتماعی بود؛ چراکه او قادر بود محبوبیت اجتماعی را فدای منافع و مصالح کشور کند. او جایی تشخیص داد برجام به نفع کشور است و محکم ایستاد و رفتار دوگانه‌ای نداشت، اما تهمت‌های زیادی در این زمینه به او زدند. او انسانی با توانایی بالا در اجرا بود و دو سال در واحد مرکزی خبر حضور داشت، در حالی که ۲۲ سال بیشتر نداشت. اتفاق جالب دیگر این بود که ما هر دو بدون اینکه اطلاع داشته باشیم، همزمان وارد مجلس شدیم. به یاد دارم که آن زمان، بحث سر ریاست مجلس بود؛ بعد از ورود به مجلس، او برای ریاست پا پیش گذاشت و چنان نمایندگان را جذب کرد که در نهایت با رأی بالایی برنده شد. او اعتمادبه‌نفس بالایی داشت و تا ۱۲ سال رئیس مجلس ماند.»

> زندگی شهید لاریجانی پیش از اینکه یک واقعه تاریخی باشد، یک پرسش فلسفی است، پرسشی از معنای حقیقت، از رابطه یک فرد، از معنای مسئولیت و خیر عمومی سؤال می‌کند. من نمی‌توانم بگویم شهید لاریجانی، در پیروی از کانت، بلکه به یک عمل اخلاقی معتقد بود؛ یک عمل اخلاقی آن است که انسان وظیفه را نه بر اساس اجبار، بلکه برای خود انجام وظیفه و نفس منفعت انجام دهد

مظهر عقلانیت

در ادامه این مراسم حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره شخصیت شهید لاریجانی گفت: «سال ۱۳۹۹ من معاون حقوقی و پارلمانی وزیر علوم بودم و عملکرد شهید لاریجانی را در صحن مجلس از نزدیک مشاهده می‌کردم. وقتی آقای علی لاریجانی مجلس را ترک کرد، یادداشت کوتاهی برای ایشان نوشتم. در آن متن نوشته بودم، طی مدتی که عملکرد دکتر لاریجانی را از نزدیک دنبال می‌کردم، او را شخصیتی مدبر، دانشمند و برخوردار از نگاه ملی یافتم. در طول سالیان طولانی ریاست او بر مجلس که با وجود اختلاف نظرها و مسائل مختلف سپری شد اما کسی از او بداخلاقی ندید. نکته جالب‌تر اینجاست که با وجود تحصیلات فلسفی، فهم عمیق حقوقی داشت و زیست سیاسی او همواره رو به پختگی و بهبود رفت. او یک سرمایه ملی است. در باب حکمرانی و عقلانیت، امروز دیگر بحث بر سر «حاکم» نیست، بلکه بحث بر سر «حکمرانی» (Governance) و معیارهای آن نظیر حاکمیت قانون، مشارکت، شفافیت و زیربنای همه آنها یعنی «عقلانیت» است؛ ویژگی برجسته‌ای که در علی لاریجانی متجلی بود. تاریخ مسلمین در مواجهه با عقل پرفرازونشیب بوده است؛ چنان‌که شهید مطهری می‌فرماید شهادت علی بن ابی‌طالب (ع)، شهادت جدایی دین از عقل بود، چرا که خوارج اهل جهاد بودند اما اهل عقل و تعقل نبودند. متأسفانه ما نیز با اینکه در تئوری عقل را تقدیس می‌کنیم، اما در عمل و در فقه، دین‌شناسی و اخلاق خود، گاه فاصله زیادی با عقلانیت داریم. برخی شبهات احتمال خطای عقل را مطرح می‌کنند؛ پاسخ من این است که مگر در نقل و روایات احتمال خطا و جعل وجود ندارد که تازه بنشینیم برای فهم و استنباط آن اجتهاد کنیم؟ پاسخ این است که امروزه احتمال خطای عقل به‌مراتب کمتر شده است؛ چرا که عقل جمعی به همراه علم، آزمایشگاه‌ها و پژوهش‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف، اطمینان‌بخش‌تر و کم‌خطاتر است. هرچه میزان مشارکت عقلا بالاتر می‌رود، احتمال خطا کاهش می‌یابد؛ بنابراین باید عقل را بیش از پیش در سیاستگذاری و اجرا وارد کرد و به عقل جمعی اعتماد کرد.» وزیر علوم درباره شهادت مرحوم لاریجانی گفت: «شهید لاریجانی مظهر عقلانیت در بیان بزرگان بود و این سرمایه ملی به‌ویژه برای دشمنان ما شناخته‌شده بود. صهیونیست‌ها با ترور او تلاش کردند تا از تأملات و خردورزی‌اش وحشت خود را نشان دهند، اما خوشا به حال او که به دست اشقی‌الاشقیا و پلیدترین موجود روی زمین یعنی اسرائیل به شهادت رسید و این شهادت برایش بسیار ارزشمند شد.»

نقش همسر شهید لاریجانی

محمدرضا لاریجانی، فرزند شهید لاریجانی در آخر این مراسم درباره برادر شهید خود مرتضی لاریجانی گفت: «صحبت‌های کامل و دقیقی درباره شهید لاریجانی مطرح شد اما من لازم می‌دانم از برادر شهیدم یاد کنم، من دوران کودکی و جوانی‌ام را با برادرم مرتضی گذراندم، به خاطر دارم که در اخلاق اسوه بودند و توانستند در حوزه علم و مهارت به شکوفایی برسند. او در اوج جوانی و دلبستگی به دنیا و در اوج شکوفایی علمی و مهارتی خود، راه دفاع از اسلام و کشور را انتخاب و به دوره شیرین جوانی، کار، مهارت و خانواده پشت پا زد. اما همانطور که به نقش والای شهید علی لاریجانی پرداخته شد، من لازم می‌دانم به نقش مهم و تأثیرگذار همسر ایشان که والده ما هستند، با دقت بپردازم. تصویری که ما در ایام کودکی، از پدر شهیدمان علی لاریجانی در ذهن داشتیم این بود که او انسانی بزرگ بود و کاملاً این درک را داشتیم که با شخصیت مهمی مواجه هستیم. این ذهنیت ما در دوران کودکی به دلیل تعاملات مادرمان با پدرمان بود. برای ما سؤال می‌شد که ایشان چه چیزی در پدر دیده‌اند که برایشان اینگونه فداکاری می‌کنند. در خانه ما نیز مانند بسیاری از مردم مسائل متعددی پیش می‌آمد، اما مادر همیشه می‌گفتند ما باید مسأله را خودمان باهم حل کنیم و اجازه بدهیم ذهن پدر برای کارها و مسئولیت‌های مهم‌تری آزاد باشد.» در پایان این مراسم از کتاب «چنین گفت مجتهد فلسفه» با حضور سیدمصطفی محقق داماد، حسین غفاری، علی مطهری، سیدحمید طالب‌زاده و محمدرضا لاریجانی رونمایی شد.

به یاد استاد

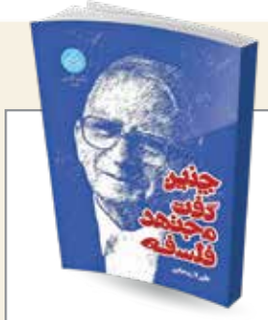

چنین گفت مجتهد فلسفه
- نویسنده: **علی لاریجانی**
- انتشارات: **دانشگاه تهران**
- تعداد صفحات: **۱۸۸ صفحه**
- قیمت: **۱۲۹۰۰۰ تومان**

کتاب «چنین گفت مجتهد فلسفه» نوشته دکتر علی لاریجانی، با هدف شناخت بیشتر و تکریم دکتر کریم مجتهدی نگاشته شده است. شهید لاریجانی از اساتید فلسفه بود، اما بیشتر به واسطه جایگاه‌های سیاسی و مدیریتی شناخته می‌شود. او ابتدا در دانشگاه صنعتی شریف تحصیل کرد و بعد با تغییر رشته وارد رشته فلسفه دانشگاه تهران شد؛ در آنجا با اساتید بزرگی از جمله کریم مجتهدی آشنا شد و این آشنایی تا چهل سال ادامه یافت. یکی از ثمره‌های آشنایی استاد و شاگرد، به نگارش کتابی با نام «چنین گفت مجتهد فلسفه» منجر شد. این اثر که از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده، دارای ۲ فصل است. فصل اول به فعالیت فلسفی دکتر مجتهدی و شباهت‌های او با شهید مطهری می‌پردازد، اما فصل دوم شامل ۱۴ بخش متنوع و جزئی‌تر در باب فلسفه و درسنامه‌ها است. در واقع فصل دوم به یادداشت‌های درس تاریخ فلسفه غرب تا نیمه قرن نوزدهم اختصاص دارد که حاصل حضور علی لاریجانی در کلاس‌های مجتهدی در دهه ۱۳۶۰ است. این یادداشت‌ها به صورت درس‌به‌درس پیش می‌رود: از عوامل رنسانس، نقش لئوناردو داوینچی، تفاوت عقل و اراده در قرون وسطا و رنسانس، تا بحث‌های مربوط به پاسکال، دکارت، کانت، هگل و پیوند فلسفه با تحولات سیاسی مانند انقلاب فرانسه. شهید لاریجانی در مقدمه کتاب با اشاره به آشنایی چهل ساله خود با مرحوم کریم مجتهدی می‌گوید: «آشنایی حقیر با حضرت آقای دکتر مجتهدی بیش از چهل سال قدمت دارد، قبل از انقلاب توفیق آشنایی نداشتم، شاید به این جهت بود که مسیر تحصیلات من در دانشگاه صنعتی شریف در زمینه غیر فلسفی بود، اما بعدها اولین انحراف در ذهن حاصل شد و به فلسفه روی آوردم.» او همچنین درباره شخصیت مجتهدی این‌گونه می‌نویسد: «ایشان با فلسفه زندگی می‌کند ودر تدریس فلسفه نشان می‌دهند که با همه وجود درگیر موضوع فلسفی هستند.» دکتر لاریجانی به این موضوع تأکید می‌کند که فلسفه هرگز طریقی برای امرار معاش مجتهدی نبوده و نیست گرچه کسانی هم که از فلسفه چنین نیتی داشتند، چیزی عایدشان نشد. ایشان در این اثر هم به شخصیت و شیوه تفکر مجتهدی پرداخته و هم درس‌گفتارهای استادش را بازنویسی کرده است. این کتاب نشان می‌دهد مجتهدی چگونه در تدریس، فلسفه را در بستر تاریخی، اجتماعی و علمی‌اش درک می‌کرد. لاریجانی همچنین تلاش کرده اندیشه و اخلاق کریم مجتهدی را به تصویر بکشد. او حتی از آشنایی خود با این استاد فلسفه، شیوه تدریسش در دانشگاه تهران، نظر مجتهدی درباره عقلانیت، نقش فلسفه در استحکام فرهنگی ملت‌ها، نسبت فلسفه و سیاست و جایگاه دانشگاه در جامعه نیز بحث‌هایی را مطرح کرده است. این اثر می‌تواند برای علاقه‌مندان به فلسفه، پژوهشگران و دانشجویان این رشته جذاب باشد.